

آشتی عربستان و ایران در چشم‌س‌س قرار دارد

نویسنده: بهادر کومار
منبع: اندین پنچ لاین (۲ دسمبر)
مترجم: رسول رحیم

یادداشت مترجم: گمانه‌ها بر اینست که با انتخاب دونالد ترامپ، برخی تغییرات مهم در سیاست‌های جهان و منطقه به وجود می‌آیند. دیپلوماسی به مثابه یک علم و هنر می‌تواند قدرت پیش‌بینی‌های ما را تقویت کند. مناسبات تیره ایران و عربستان سعودی یکی از اسباب عمده جنگ‌های فرقه‌ئی بیسابقه در کشور ماست. کاهش تنشها بین این دوکشور اسلامی ثروتمند، می‌تواند تا حدود زیادی نگرانی از جنگ‌های فرقه‌ئی در افغانستان را کاهش دهد. من در برخی موارد به تحلیلهای سفیر کبیر بهادر کومار، دیپلومات سابقه دار و پیر و روشنفکر برجسته هندی ارزش زیادی قایلیم. زیرا می‌دانم دیپلوماسی را صرف از طریق مطالعه کتابها نمی‌توان فراگرفت. با همین انگیزه و بنا بر تقاضای همکار ارجمندم جناب ضیا صدر ژورنالیست اندیشمند، کوشیده‌ام با ترجمه این مقاله رویدادی را که شاید بعدتر آفتابی گردد، همین حالا مورد کنگاش قرار دهیم.

یک تاثیر جانبی انتخاب دونالد ترامپ به حیث رئیس‌جمهور می‌تواند بهبود مناسبات ایران و عربستان سعودی باشد. البته بدبینان شاید ادعا کنند که بهبود این مناسبات مستلزم زمان است، زیرا این مناسبات نمی‌تواند بدتر از این باشد و نزدیک به یک حالت جنگی است. اما عامل (فاکتور) ترامپ انگیزه آن گردیده است که جهتگیری مثبت بیابد.

سیاست ایالات متحد آمریکا که شاید کلینتون خوش داشت ادامه بدهد، پایان یافته است. این سیاست از یک سو عبارت بود از به بازی گرفتن عربستان سعودی علیه ایران و از جانب دیگر تشکیل یک جبهه متحد منطقه‌ئی از متحدان عرب و اسرائیل اش به رهبری ایالات متحد آمریکا. این یک استراتژی نومیدکننده بود و ترامپ نمی‌خواهد که آن را در بستر احتضارش دوباره احیا کند.

«فرار» اخیر مصر در منازعه سوریه به اردوگاه روسیه- ایران که به نحوی با ریاست جمهوری ترامپ مصادف بود، به شکل مرگباری اتحاد اسطوره‌ئی عرب علیه ایران را جریحه دار کرد. نکته جالب اینکه سامع شکر وزیر خارجه مصر در نیویارک است و روز پنجشنبه با مایک پنس ملاقات کرد تا یک نامه عبدالفتاح السیسی را به ترامپ تقدیم کند. در عین زمان السیسی شخصاً از امارات متحد عربی دیدار نمود که در مورد اختلاف میان عربستان سعودی و مصر میانجیگری می‌کند. مصر انتظار دارد که تنش‌ها بین عربستان سعودی و ایران تخفیف یابد و چنین موضعی را اتخاذ کرده است.

ترامپ برای رژیم سعودی به معنای باختن جنگ در سوریه می‌باشد. ضربت بر حیثیت سعودی در جاده‌های کشورهای عربی، در سطح منطقه و بین‌المللی بسیار زیاد است. اما سعودیها در حال آماده شدن برای احتمال باقی ماندن رئیس‌جمهور بشار الاسد در قدرت، انتخاب تسلیم شدن شورشیان برای زنده ماندن شان و یا قبول سرنوشت محتوم انهدام فزینی آنها اند. گفت و گوهای مخفی بین رهبری شورشیان و استخبارات روسیه که در انفره جریان داشت اکنون عیان گردیده است و دیپلوماتها تاکید می‌نمایند که حلب نزدیک به سقوط در دست نیروهای حکومتی است و جنگ پایان می‌یابد.

پایان جنگ با چنین شرایطی، پیروزی بزرگی برای ایران است. چنین امری این سوال را به وجود می‌آورد که آیا سعودیها در پروسه تصحیح مواضع شان می‌باشند؟ شواهد فزاینده‌ای وجود دارند که شاید چنین باشد. نخست این نکته مهم است که انتخاب میشل عون به مثابه رئیس‌جمهور جدید لبنان در ۳۱ اکتوبر به درج‌زدگی دو ساله پایان داد. عون به حزب الله بسیار نزدیک است. محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران نخستین شخصیت مهم خارجی بود که از بیروت دیدار کرد و به عون تبریک گفت. واضحاً این یک تقلای سیاسی پیچیده جنگ لبنان است که ظاهراً سعودیها به سادگی از کش و گیر شان کاستند، و این امر به انتخاب عون کمک نمود که سکانداری آن را ایران و حزب الله داشتند.

ثبات در لبنان و پیروزی اندک در جنگ سوریه، به علاوه علایم اولیه گرم شدن روابط با مصر بیانگر قوی شدن دست ایران در سیاست‌های منطقه‌ئی است. اما عجیب آنست که در تهران کدام تجلیلی از پیروزی دیده

نمی شود. قاعدتاً تهران سعودیها را "بازنده" گفته می تواند، اما چنین چیزی به وقوع نمی پیوندد. اکنون صاعقه اوپک مطرح است. روز چهارشنبه در ژنو کشورهای تولید کننده نفت عضو اوپک روی کاهش تولید نفت توافق نمودند. این قبول شده است که بازار نفت غیر قابل پیش بینی است و نقش صنایع کشتی رانی ایالات متحد آمریکا روشن نیست. نیاز به آنست که این توافق اوپک در نشست مسکو در ماه دسمبر بین این کارتل (اوپک) و تولید کنندگانی که عضو اوپک نیستند تحکیم یابد. اما در اصل این توافق محصول نهائی یک مصالحه بزرگ عربستان سعودی با ایران می باشد. به عبارت دیگر، هرگاه سعودیها سماجت نشان می دادند و نمی پذیرفتند که ایران را به مثابه یک مورد خاص از کاهش تولید نفت معاف کنند، شاید این توافق به وجود نمی آمد.

این توافق اوپک به یک تغییر تکنیک (تغییر محل طبقات پائینی زمین) در معادله ایران- عربستان سعودی دلالت می کند که در حال حاضر پائین تر از رادار قرار گرفته است (قابل رؤیت نیست). در اینجا صرف مسأله پولهای بزرگ مطرح نیست، بلکه به معنای برگشت ایران به "کوک پیت" یا مرکز هدایت اوپک است و در حقیقت مسأله بر سر آینده اوپک است. این حقیقت است که در عقب پرده، روسیه یک نقش قوی بازی نموده است و آنها را باهم نزدیک گردانیده است. اینهم حقیقت دارد که سعودیها با مشکلات مالی جدی رو به رو اند و انتظار می رود که این توافق اوپک عواید بیشتری را از ناحیه افزایش قیمت نفت به بار آورد. با اینهم در تحلیل نهائی عربستان سعودی خود را با این تقاضای ایران انطباق داده است که پیمانته تولیدات پیش از وضع تحریمها، یک حق ویژه ملی تهران است و باید از کاهش تولیدات معاف گردد. (در گزارشهای خبری "ان بی سی" با عنوان "چگونه پوتین، خامنه ای و یک شاهزاده سعودی توافق اوپک را به وجود آوردند"، گزارش مفصلی داده می شود که چگونه همه این چیزها اتفاق افتادند.)

این تغییر ذهنیت عربستان سعودی، به دور از آن موضع لجوجانه اش که ایران باید بیرحمانه مجازات گردد، حتا اگر این به بهای جراحات خوندهنده ای به خودش هم تمام شود، توجه را به خود جلب می کند. همین طور موضع ایران به ذات خودش عجیب اندر عجیب است. زیرا تهران هیچ گونه تجلیل پیروزمندانه از این مصالحه نهایت چشمگیر عربستان سعودی نشان نداده است.

هرگاه تنها همین را با آنچه در لبنان اتفاق افتاد در نظر گیریم، ایران در حال دوری گزیدن از خودنمائیها و سخن پراکنیهای ضد عربستان سعودی است. حقا که عقب نشینی مشابهی اخیراً از جانب عربستان سعودی نیز قابل درک است. چنانکه روزنامه الشرق الاوسط سردبیرش را تبدیل کرد. زیرا شهزاده ترکی بن فیصل در آن روزنامه گفته بود که ترامپ نباید توافق هسته ئی ایران را به حال خودش بگذارد.

این روزهای اول است. اما گرم شدن مناسبات ایران و عربستان سعودی وجود دارد. با توجه به فرهنگ سیاسی خاورمیانه، زودتر از آنچه که می توان انتظار داشت، به طرف یک (modus vivendi) یا "قرار موقت" می روند. یعنی این دو دولت علی الرغم توافق بر این نکته که اختلاف عقیده دارند، به زندگی در کنار هم ادامه می دهند. سرنوشت یمن محک این حسن روابط خواهد بود.